



## پس از خدا به نیرو و ایثار جهادگران متکی بودیم...

«کارنامه یاران صبور و گمنام دفاع مقدس»  
به روایت سپهبد شهید علی صیاد شیرازی

نداشتند و هیچ ترس و خوفی در خود احساس نمی‌کردند، همه جا ظاهر می‌شدند و تادهی پاکسازی می‌شد؛ فوراً برای کار کردن به سوی آنجا می‌شتافتند تا از این طریق، برکات زیاد جمهوری اسلامی را به مردم مستضعفی که مظلوم واقع شده بودند، نشان دهند.

این ویژگی را من در آنجا بسیار مؤثر دیده‌ام، در عملیات جبهه‌ها هم که مسئولیت ما به صورت فرمانده نیروی زمینی در آمد، شب و روز با برادران جهاد در ارتباط بودیم، مثلاً می‌خواستیم در امدادهای پزشکی عملیات کار کنیم؛ برادران جهاد به صورت پیشتاز و فعال کار می‌کردند، در قسمت جاده‌سازی می‌دیدیم که برادران جهاد حضور فعال دارند، در قسمت پل سازی نیز همین طور، در پیشروی در دشت چیزی که بسیار لازم بود، این بود که ما هر کجا را که می‌گرفتیم؛ باید بلافاصله خاکریز می‌زدیم تا از تیررس مستقیم دشمن مصون باشیم و تنها در روحیه برادران جهاد، آن قدرت و جسارت و تحول بود که بتوانند از دستگاه‌های مهندسی استفاده کنند و حتی از شهید شدن و زخمی شدن هم نهراسند و همچنان در کنار رزمندگان اسلام و در خط مقدم جلو بروند و خاکریزها را برای پوشش نیروهای رزمی به وجود بیاورند. این یک کار بسیار وسیع و مهمی بود که برای مادر پیشرفت کارمان جنبه حیاتی داشت. پروژه‌هایی را که جهاد در این مدت اجرا کرد، کار هر کسی نبود.

در عملیات بیت‌المقدس جاده‌ای را که جهاد ایجاد کرد؛ به صورت آثاری از این ایثارگری می‌تواند در تمام تاریخ اسلام، چه آینده و چه در گذشته به عنوان الگو تلقی و استفاده شود. در عملیات طریق القدس در شمال بستان، این جاده برای ما بسیار حیاتی بود و می‌توانیم بگوئیم کلید موفقیتی بود که به

آنها تقدیر و ستایش بکنم. ارزش این حرکت را در این می‌دانم که موجب شده ما بتوانیم حاکمیت جمهوری اسلامی را با قدرت‌نمایی رزمی ارتش جمهوری اسلامی و سپاه پاسداران در مقابل ضد انقلاب نشان دهیم.

در هر صورت، من الان لازم نمی‌بینم که بیش از این صحبت کنم؛ ولی اگر خواهران و برادرانمان در مملکت، گذرشان به جاده‌های کردستان افتاد؛ حتماً سری به پایگاه‌ها بزنند و ببینند که هر یک، چه پایگاه مستحکم و مؤثری برای پاسداری و حفاظت شده است، در طول این مدت، یک ویژگی برای برادران جهاد دیده می‌شد، این بود که تمامی در جهت سازندگی حرکت می‌کردند؛ در حالی که در کنار این حرکت، جانشان هم در خطر بود و چه شهدای عزیزی که در این راه ندادند. در شرایطی که ما مسلح بودیم و برای مقابله با دشمن از سنگر استفاده می‌کردیم، این برادران به این مسائل توجهی

اولین باری که با جهادگران در میدان جنگ آشنا شدم، جنگ با ضد انقلاب در کردستان و آذربایجان غربی و در حالی بود که ما فکر نمی‌کردیم جهاد بتواند نقشی در جنگ ایفا کند. اعلام آمادگی و بلافاصله اقدام به احداث پاسگاه، جاده، پایگاه‌های تأمین کردند.

تا آنجائی که خاطر می‌آید، تولد جهاد به عنوان یک نهاد انقلابی، در اوایل انقلاب بوده است که در تمام زمینه‌ها آغاز به کار و تلاش و فعالیت خویش را شروع کرد، آن هم تلاش و فعالیتی در حد ایثار.

تمام این تلاش‌ها را به صورت اخبار و اطلاعات شنیدیم و از آنجائی که به انقلاب اسلامی و پیشرفت آن عشق داشتیم و داریم، با شنیدن این اخبار خود به خود محبتی از این برادران و ایثارگران در قلب ما واقعاً به وجود آمده بود؛ تا اینکه در عملیات کردستان که در آنجا مسئولیت و مأموریتی داشتیم، من از نزدیک و به خوبی با کار جهاد آشنا شدم، آن هم در بعدی که برای ما خیلی حیاتی بود. ما در کردستان مجبور بودیم برای تأمین راه‌ها و جاده‌ها و خطوط ارتباطی منطقه، پایگاه خوبی داشته باشیم که ضد انقلاب نتواند رزمندگان اسلام را تهدید کند؛ خصوصاً با فرارسیدن فصل سرما که می‌بایست هم خود را با محیط وفق می‌دادیم و هم با ضد انقلاب مبارزه می‌کردیم و خود به خود، نیاز به کمک داشتیم و امکانات ما در سطح منطقه از نظر کشوری بسیار بسیار محدود بود؛ علاوه بر اینکه امکانات موجود هم به صورت فعال و چشمگیر به کار گرفته نمی‌شدند.

تا اینکه برادران جهاد مراجعه کردند و حتی قبل از اینکه تصمیم‌گیری و کاری کنیم، آغاز به کار کردند. هر وقت یادم می‌آید، واقعاً در حد خودم نمی‌بینم که متناسب با تلاش‌های

**تولد جهاد به عنوان یک نهاد انقلابی، در اوایل انقلاب بوده است که در تمام زمینه‌ها آغاز به کار و تلاش و فعالیت خویش را شروع کرد، آن هم تلاش و فعالیتی در حد ایثار.**





پل خیمبر

می‌توانند آن را درک کنند، غیر مسلمانان اگر این تاکتیک‌ها را بدانند و مطالعه نیز نکنند، چون اعتقادی به مبانی ما ندارند، چیزی از آن نمی‌فهمند و نمی‌توانند از آن بهره‌برداری کنند و برایشان قابل اجرا نیست و همین تاکتیک‌هایی که ما اکنون در صحنه‌های نبرد به کار می‌گیریم؛ دشمن با تمام قدرت و امکاناتی که دارد نتوانسته است در برابر آن اقدامی کند. بر محققین اسلامی و خصوصاً آنها که در نهادها مشغول فعالیت هستند، فرض است که نقش نهادها را بررسی و ثبت کنند تا دیگران به غیر آنها که در صحنه‌های نبرد هستند، پی به نقش مهم آنها، خصوصاً سازندگی ببرند. اکنون تنها کسانی که در میدان‌های رزم هستند می‌توانند از زیبایی‌ها و بدانند جدا شدن از آنها برای ما چه ضربه مهلکی است.

ما همیشه در جلسات خودمان به نقش مهم آنان اشاره و سعی می‌کنیم قدر و منزلت این نهاد انقلابی را بدانیم و به آنها گوشزد کنیم که جدا شدن آنها از ما حتی برای یک لحظه هم ممکن نیست، جهاد در آن زمان و موقعیت حساس کردستان، برای ما دور تا دور این منطقه، سنگر و پایگاه درست می‌کند. این پایگاه‌ها به عنوان سندی معتبر تا قرن‌ها خواهند ماند. من این مسئله را مکرراً خواهم گفت که ما بعد از خداوند در صحنه‌های نبرد، تنها به نیرو و ابزار جهادگران متکی هستیم.

برادران جهادگر ما در حمله طریق القدس، در عرض ۱۵ روز در کنار گوش دشمن، در داخل رمل‌ها یک جاده ۱۵ کیلومتری زدند، به طوری که دشمن متوجه نشد و رزمندگان ما نتوانستند شبانه از پشت، دشمن را غافلگیر کنند و تا صبح عملیات، با وجود نیاز مبرمی که به مهمات داشتیم، چون ما تنها پنج گلوله توپ می‌توانستیم صرف دشمن کنیم، اینان تأسیسات ما را فراهم کردند. این مسائل ممکن است از دیدگاه ما که معتقد به امداد‌های الهی و بعد‌های معنوی قوی هستیم، درکش آسان‌تر باشد. جهاد در تأسیسات‌سازی در دنیا رکوردی عظیم ایجاد کرده است. امریکایی‌ها با تمام امکاناتی که دارند؛ برای ایجاد یک سایت رادار، شش ماه وقت صرف می‌کنند، ولی ما عملاً دیدیم که جهادگران، این کار را در زیر آتش گلوله‌های دشمن در عرض یک هفته انجام دادند و در تمام عملیات، خاکریزها و سنگرهایی ایجاد کردند که بیشتر پیروزیهامان را در عملیات، مدیون این جهادگران هستیم. مسئله مهم تر و باری که در جهادگران و رزمندگان ما هست، روحیه شهادت طلبی آنهاست که باید قدر آنها را بدانیم، زیرا همین برکت خون شهید است که ما را در انجام مبارزه تقویت و در ادای مسئولیت‌مان تشویق و ترغیب می‌کند.

یکی از مسائل مهم در مورد عملیات مسلم بن عقیل، خوب گزارش نشدن این عملیات به ملت مسلمان و مبارز ماست، در حالی که انعکاس آن با تمام تحریفات، در خارج از کشور بیشتر بوده است. عملیاتی که در آن برادر شهید حسین ناجیان، مدیریت مهندسی رزمی را در خطوط مقدم جبهه به عهده داشتند و در همان خطوط نیز به شرف شهادت نایل آمدند. این عملیات یکی از پرشکوه‌ترین عملیاتی بود که روح معنویت به شکل هماهنگی در تمام رزمندگان و جهادگران در آن جلوه کرد. ما مکرراً برادران را به مسئله «یومنون بالغیب»

تلاش می‌کند و حتی دیده شده است که بعضی از مواقع آن فعالیت‌ها و تلاش‌هایی که جهاد قبل از عملیات انجام می‌دهد، علاوه بر اینکه تلاش‌های فشرده و گسترده‌ای بوده، نقش بسیار حساسی هم برای موفقیت آن مورد داشته که نمونه بارز آن جاده‌ای بود که جهاد در عملیات طریق القدس در زمین‌های رملی احداث کرد و رزمندگان نتوانستند از طریق این جاده، دشمن را دور بزنند و از پشت به دشمن حمله و در طرف چند ساعت، تیپ ۲۶ عراق را که تا بن دندان غرق در اسلحه و امکانات بود؛ با تمام قرارگاه فرماندهیش تسخیر کنند و همین طور در عملیات فتح‌المبین، جاده‌هایی که جهاد در قسمت ارتفاعات دالیری... احداث کرد، موجب شد که ما نیروهای خودمان را در عمق ۶۰-۷۰ کیلومتری در جناحین دشمن متمرکز کنیم. هم چنین جهاد در اجرای پروژه‌های پیچیده، نقشی بسیار حیاتی در طول نبردها داشته و نقش خود را خوب ایفا کرده و در حین عملیات هم دوش به دوش رزمندگان ما با وسائل سنگین خودشان آماده‌اند که علاوه بر اینکه به فعالیت‌های قبلی خودشان ادامه می‌دهند، تأسیسات جدیدی را برای رزمندگان ایجاد بکنند؛ مثل زدن خاکریز، پل و پیر کردن کانال‌ها... و بعد از عملیات هم برای تشکیل مواضع و استحکامات، تلاش جهاد همیشه انجام می‌شده است. بنابراین ما به طور کلی در هر سه مرحله

از عملیات می‌بینیم که جهاد به وسیله ابزارگران خودش که مشتاق رسیدن به خدا هستند، واقعاً نقش بسیار اساسی داشته است. در عین حال که ما جهادگران را بیشتر در بین رزمندگان می‌بینیم، می‌دانیم که اینها قادرند بسیاری از تسهیلات و امکانات را برای رزمندگان به وجود آورند و به خاطر اخلاص و روحیه ایثارگری که دارند، ما احساس می‌کنیم با حضور این ایثارگران انقلاب اسلامی و جبهه‌هایمان از یک برکت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. در هر صورت ما اگر بخواهیم در همین حد بسنده کنیم، هرگز نمی‌توانیم حق مطلب را ادا کنیم و بهتر است که بگذاریم محققین و آن کسانی که می‌آیند تا این حقایق را به رشته تحریر در آورند؛ چه برای نسل کنونی چه برای نسل‌های آینده این کار را بکنند. خداوند نیز روز به روز این چهره‌های روحانی را در بین ما بیشتر کند تا آنها را ببینیم و به جهادگران آن توفیق را بدهد که در جبهه‌ها حضور داشته باشند و همچنان به خدمات صادقانه خویش ادامه دهند. (۲)

اگر کسی بخواهد پی به عظمت انقلاب ما ببرد، مستلزم آن، آگاهی داشتن از مبانی مکتب نوین اسلام است. هم اکنون تاکتیک‌هایی که رزمندگان ما در صحنه نبرد به کار می‌برند، تاکتیک‌هایی است که تنها افراد معتقد به مکتب اسلام

وسيله برادران جهاد در مدت بسیار کوتاهی زده شد. در عملیات فتح‌المبین تلاش جهادگران بسیار سازمان‌یافته بود و این بار جهاد دست در دست مهندسی ارتش و سپاه به تحولی دست زد که برای عملیات، بسیار مؤثر بود. در آنجا هم علاوه بر جاده‌سازی، خاکریز می‌زدند و پیشرفت می‌کردند. پروژه جاده‌سازی در تنگه زلیجان کوی میشداغ یکی از بهترین کارهای جهاد محسوب می‌شود. در این مورد مهندسی می‌گفت که حدوداً پنج یا شش ماه وقت لازم است تا ما بخواهیم این جاده را درست کنیم؛ ولی بعد از پانزده روز که من رفتم، خودم گیج شدم که این تنگه عوض و جایش جاده زده شده بود. این جاده هم کلید موفقیتی در تنگه رقابیه بود.

الحمد... جهاد همچنان نقش خودش را در این ترکیب مقدسی که ما داریم، در جبهه‌ها به نحو بسیار کامل و روبه‌تکامل حفظ کرده و بنابراین در تمام قسمت‌ها چه در قسمت خاکریز زدن، چه برای پل‌سازی، جاده‌سازی و چه برای امدادگری مثل سایت‌سازی که پدیده جدیدی شده برای جهاد و ما را از این نظر مطمئن کرده برای رسیدن به آن تسهیلاتی که داریم، با سرعت می‌توانیم آن تسهیلات را به جای دیگر نقل بکنیم. اینها همه فعالیت‌هایی است که جهاد همیشه داشته است. (۱)

□ □ □

بیان نقش جهاد و تلاش‌هایی که این ایثارگران واقعی راه خدا در جبهه‌های نبرد انجام داده‌اند، محتاج وقت زیادی است؛ ولی اگر ما چکیده‌ای از آن فعالیت‌ها را بخواهیم بدانیم؛ می‌توانیم به تاز پیچیده جنگ مراجعه کنیم. ما در هر عملیاتی می‌بینیم که جهاد برخلاف دیگر ارگان‌های درگیر جنگ، نقشش فقط در طول عملیات نیست، بلکه هم قبل از شروع عملیات و هم در حین و هم بعد از عملیات، به صورت جدی

**تاکتیک‌هایی که رزمندگان ما در صحنه نبرد به کار می‌بردند، تاکتیک‌هایی است که تنها افراد معتقد به مکتب اسلام می‌توانند آن را درک کنند، غیر مسلمانان اگر این تاکتیک‌ها را بدانند و مطالعه نیز نکنند، چون اعتقادی به مبانی ما ندارند، چیزی از آن نمی‌فهمند و نمی‌توانند از آن بهره‌برداری کنند و برایشان قابل اجرا نیست.**



جاده سیدالشهدا - هوزالهوئیزه



طبق زمانبندی ساخت سکوهاى پدافند هوایی، زمان ساخت سکوی پرتاب موشک هاگ، ۶ ماه پیش بینی شده است؛ ولی از آنجا که در جنگ تحمیلی هیچ کاری طبق قاعده معمول انجام نمی شد، برادران جهادگر قول دادند که در مدت یک ماه، سایت را آماده کنند؛ ولی جالب این است که این کار در مدت یک هفته به اتمام رسید و آتشبار هاگ آماده شد. کار جالب دیگری که به خاطر دارم، جاده ای است که در شرایط بسیار استثنایی احداث شد. در عملیات طریق القدس عده ای از برادران جهادگر به ما مراجعه کردند و گفتند که اگر اجازه بدهید از این تپه های رملی برایتان جاده ای می زنیم. بنده که مسئول آن ناحیه بودم با اینکه حس می کردم این کار عملی نیست و جاده حتی اگر هم احداث شود، پس از یک طوفان شن، محو خواهد شد. وقتی چهره مصمم و با اخلاص آنها را دیدم، نتوانستم اجازه ندهم؛ ولی در دلم از سادگی آنان متعجب بودم.

حدود پانزده روز از این موضوع گذشت و من کلاً ساخت این جاده را فراموش کردم. باز همان برادر جهادگر به سراغمان آمد و بی مقدمه گفت که جاده آماده است! گفتم کدام جاده؟ گفتند همان جاده ای که قرار بود از میان تپه های رملی عبور کند. با حیرت و تعجب به بازدید جاده رفتیم. نماز ظهر و عصر را به شکرانه این موفقیت، روی جاده اقامه کردیم. آن روز دانستم که چقدر از قافله متوکلین عقب هستم. اجزای طرح بسیار استثنایی بود. طرفین جاده را با حصیر پوشانده بودند تا در طوفانهای شن، جلوی شن های روان گرفته شود. روی زمین هم شفته آهک ریخته بودند و بسیاری زحمات دیگر را متحمل شده بودند تا اینکه این جاده که جاده نبود بلکه پل پیروزی بود؛ آماده شود.

وجود همین جاده ۹ کیلومتری موجب شد که در شب اول عملیات طریق القدس، هجده کیلومتر نفوذ کنیم و پیشروی خودمان را به طرف تنگه چزابه و بستان انجام دهیم. این هم از خصوصیات جهاد است که همیشه امور نشدنی را شدنی کرده است. از مشخصات دیگر این عزیزان این بود که کارشان رنگ و بوی مادی نداشت. من تعلقات دنیوی در آنها ندیده ام. اگر بدون آشنایی با آنها در جایی روبرو می شدی؛ هیچ گاه نمی دانستی ایشان دکترند یا مهندس یا فوق لیسانس. خاکی بودند، خاکی، اما افلاکی! (۴)

□ □ □

۱. مجله جهاد، سال دوم، شماره ۳۴ و ۳۳، ص ۱۴ و ۱۵
۲. مجله جهاد، سال سوم، شماره ۴۸، ص ۱۱
۳. مجله جهاد، سال دوم، شماره ۴۰، ص ۱۲ و ۱۳
۴. مصاحبه مرکز حفظ و نشر آثار دفاع مقدس وزارت جهاد با تیمسار صیاد شیرازی، سال ۷۳. ■

□ □ □

گوشزد می کنیم و معتقدیم که ترکیب مقدس جنگی ما در صحنه نبرد، تنها لشکریان انسانی نیستند و دست خداوندی برای یاری ما در کار است و هم اوست که ما را به پیروزی می رساند: «ما رمیت اذ رمیت ولكن الله رمی...». من این را به امت همیشه در صحنه می گویم که این روح معنویت تنها در شب عملیات و حمله به وجود نمی آید، بلکه زمینه قبلی دارد و باید از همان قدم اول که نیت برای حرکت است، ما به توکل خداوند مسلح شویم و او را همواره ناظر و شاهد بر اعمال خودمان بدانیم و برای او خالص شویم و حرکت کنیم و به مبارزه علیه ظلم و ستم و ظالمان ادامه دهیم و برای حرکت خودمان نیز به اصلی که خداوند با لشکریان غیبی همیشه با ما و در کنار ما خواهد بود. (۳)

□ □ □

گاهی می گوئیم که فلان چیز پل پیروزی است. حال اگر خود این موضوع، پل (خیبر) باشد، چه باید بگوئیم؟ یقیناً باید تأکیدی درباره آن داشته باشیم. پس از عملیات خیبر و بدر که پدیده «پل خیبر» وارد صحنه های کارزار شد، متوجه شدیم که این پدیده صرفاً وسیله ای نیست که دو سوی ساحل را به هم وصل می کند، بلکه بسیاری از شگفتی های دفاع مقدس را با خود به همراه دارد.

از مشخصات فنی پل خیبر، شناور بودن آن است. آن روزها هنوز جاده سیدالشهدا احداث نشده بود و برای نیروهای اسلام، امکان عبور دادن توپخانه و رساندن آن به جای مناسب نبود و مجبور بودیم از این سوی ساحل تیراندازی کنیم که البته آن هم همیشه امکان نداشت و برد توپخانه نسبت به اهداف ما بسیار کم تر بود. در نتیجه، رزمندگان ما در جزایر مجنون فاقد پشتیبانی آتش درستی بودند. تنها راهی که وجود داشت، ویژگی دوم این طرح، «پل های خیبر» بود. اینها را به هم متصل کردیم و ضمن تثبیت و استقرار توپخانه در آنها

**من در جبهه ها هیچ آیه ای را به اندازه «و الذین جاهدوا فینا لنهدينهم سبلنا» تحقق یافته ندیدم. یک طرف اخلاص و کار و از سوی دیگر هدایت و دستگیری خداست. البته خداوند این معادله را این طور به هم می زند که در مقابل یک قدم بنده اش، چند برابر قدم برمی دارد.**

